

واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

آذر قزلباش^۱ و لیلا صفا^{۲*}

(دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹)

چکیده

با وجود نقش انکارناپذیر زنان در دستیابی به توسعه روستایی پایدار و توجه به این‌که توانمندسازی کلید توسعه پایدار است، شواهد نشان می‌دهد که موانع پرشماری فراروی توانمندسازی زنان روستایی به ویژه در بعد اقتصادی قرار دارد. از این‌رو، پژوهش پیمایشی حاضر با هدف واکاوی عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش، تمامی زنان ۱۵ سال به بالا در روستاهای شهرستان طارم بودند ($N=14415$) که از بین آن‌ها یک نمونه ۳۷۵ نفری از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شد. ابزار پژوهش برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی محتوایی آن از سوی اعضای هیئت علمی دانشگاه زنجان و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان تأیید گردید. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه در حد قابل قبول بود. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS Win26 تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های توصیفی نشان داد که میانگین‌های دو شاخص اصلی به کار برده شده جهت سنجش توانمندی اقتصادی زنان روستایی شامل میزان تحرک اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی، پایین‌تر از سطح متوسط بودند. علاوه بر این، یافته‌های تحلیل عاملی حاکی از آن بود که پنج عامل استخراج شده شامل ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری، ضعف روحیه کارآفرینانه، بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا، پردرشدگی و رانده شدن به حاشیه و ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای، ۶۱/۵ درصد از واریانس کل «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» را تبیین کردند. یافته‌های تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که هر پنج عامل اشاره شده اثر منفی و معنی‌داری بر میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی داشتند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش با کمک به شناخت بهتر وضعیت زنان روستایی از نظر شاخص‌های توانمندی اقتصادی و واکاوی عمیق‌تر عوامل بازدارنده فراروی آن‌ها می‌تواند نهادهای اطلاعاتی مفیدی را در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جهت طراحی و اجرای مداخلات اثربخش در راستای توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی اقتصادی، توسعه پایدار، زنان روستایی، موانع، استان زنجان.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

^۲ دانشیار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: safa@znu.ac.ir



مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی رسیدن به توسعه پایدار را ممکن می‌سازد. امروزه، اهمیت عدالت جنسیتی نه تنها به عنوان یکی از بنیادی‌ترین انواع حقوق بشر، بلکه به مثابه ابزاری اثربخش برای کاهش فقر، بهبود استانداردهای زندگی و توسعه اقتصادی جوامع توجه جدی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است (بوزرجمه‌ری و جوانی، ۱۴۰۱). بر این اساس، برنامه‌ریزی اصولی برای بهبود شرایط زندگی زنان باید از بنیادهای مهم هر جامعه‌ای باشد، به ویژه با در نظر گرفتن این‌که جمعیت زنان به عنوان تولیدکننده، خدمت‌رسان و یا حتی مصرف‌کننده در توازن توسعه در زیربخش‌های مختلف نقش پررنگی دارد (مقدس فریمانی و میرترابی، ۱۳۹۹). در این زمینه، زنان روستایی نیز به منزله محور اقتصاد کشاورزی محسوب می‌شوند (Ishfaq et al., 2023); آن‌ها در حدود ۴۳ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل داده (FAO, 2018) و تولید نزدیک به نیمی از غذا در کشورهای در حال توسعه را بر عهده دارند (FAO, 2011). هم‌چنین، بر پایه داده‌های بانک جهانی زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه ۶۰ تا ۸۰ درصد از غذای خانگی را با کار در مزارع خانوادگی به عنوان کارگران بدون مزد تولید می‌کنند (Palacios-Lopez et al., 2017). با وجود انجام وظایف پرشمار از تولید تا مصرف غذا و نقش انکارناپذیر ایشان در امنیت غذایی (Visser & Wangu, 2021)، زنان روستایی دسترسی اندکی به منابع فیزیکی، انسانی و مالی دارند؛ به طوری که کنترل آن‌ها بر درآمد حاصل از کشاورزی در جوامع مردسالار بسیار ضعیف است (Akter et al., 2017) و درصد کمی از آن‌ها صاحب کسب‌وکار هستند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱). در این راستا، مقدس فریمانی و میرترابی (۱۳۹۹) نیز تأکید دارند که زنان روستایی به عنوان نیروهای فعال و خلاق، همواره مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، به طوری که از آموزش‌های رسمی بهره کمتری برده و بار فقر و بی‌سوادی را به دوش کشیده‌اند؛ به همین ترتیب، موانع زیادی فراروی مشارکت آنان در زمینه‌های مختلف به ویژه فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد و شرایط مناسب برای بروز خلاقیت و کارآفرینی در آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد. در واقع، شواهد حاکی از آن است که مدیران و برنامه‌ریزان در کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه، به توانمندی زنان روستایی و نقش آن‌ها در فرایند توسعه جامعه روستایی اعتقاد چندانی نداشته و زنان در این کشورها بیشتر عناصر حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد به حساب می‌آیند (Obayelu & Chime, 2020) و بنا به مطالعه کریمی و همکاران (۱۳۹۷)، زنان روستایی به صورت نامرئی در تله‌ای از محرومیت و بی‌قدرتی گرفتار شده‌اند. با توجه به چنین شرایطی و از آنجایی که دستیابی به توسعه بدون در نظر گرفتن نقش زنان روستایی توانمند ممکن نخواهد بود، ضروری است برای توانمندسازی آن‌ها برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری لازم انجام پذیرد، چراکه توانمندسازی حلقه اتصال زن و توسعه و به بیان بهتر، کلید توسعه پایدار به شمار می‌رود (Ishfaq et al., 2023). در هر حال، توانمندسازی ارتباط تنگاتنگی با ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود عملکرد زنان دارد و به عنوان ایده‌ای متداول و بخشی از زبان توسعه مطرح می‌گردد که می‌تواند جایگاه آن‌ها در فرایند توسعه را استوار کند (زمانی میاندشتی و همکاران، ۱۳۹۱).

در راستای مفهوم توانمندسازی تعریف‌های پرشماری از سوی پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است؛ از نظر بانک جهانی (World Bank, 2002)، توانمندسازی به معنای ایجاد و تقویت شایستگی‌ها و قابلیت‌های مردم فقیر برای افزایش قدرت آن‌ها جهت مذاکره، مشارکت، کنترل و در عین حال الزام نهادها به پاسخگویی در برابر ایشان است. در تعریف دیگری، علی و سالیسو (Ali & Salisu, 2019) توانمندسازی را فرایندی در نظر گرفته‌اند که در آن افراد با ارتقای قابلیت‌ها، مهارت‌ها، تقویت عزت‌نفس، استقلال، خوداثربخشی و هم‌چنین بهبود دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی در راستای تغییر وضعیت زندگی خود حرکت می‌کنند. به همین ترتیب، نگا و همکاران (Nega et al., 2009) مفهوم توانمندسازی را در احساس خانواده‌ها برای تغییر زندگی خود شرح می‌دهند؛ از این دیدگاه، توانمندسازی به منزله توانایی گرفتن تصمیم‌هایی توصیف می‌شود که با تأثیرگذاری بر فعالیت‌های روزمره افراد ممکن است دوره‌ای از زندگی آن‌ها را دچار تغییر کند و در تلاش برای بررسی عواملی است که بتواند قدرت خانواده‌ها برای کنترل زندگی آنان را افزایش دهد. بر این اساس، بوزرجمه‌ری و جوانی (۱۴۰۱) نیز توانمندسازی زنان را شامل تمامی اقدامات در راستای افزایش سطح کیفی زندگی آن‌ها در نظر گرفته‌اند که در نهایت موجب افزایش خودباوری، خودارزشمندی و خوداتکالی در زنان می‌شود. در واقع، توانمندسازی امری حیاتی برای بهبود شایستگی‌های زنان جهت اتخاذ انتخاب‌های بهتر و تبدیل این انتخاب‌ها به دستاوردهای مطلوب به شمار می‌آید (Ishfaq et al., 2023). یک زن توانمند می‌تواند درآمد خود را به بهبود بهداشت و آموزش کودکان و امنیت غذایی خانواده و کاهش فقر اختصاص دهد (Rehman et al., 2019; Mwambi et al., 2021; Wei et al., 2021).

هم‌چنین، زنان با دسترسی برابر به منابع مالی و تولیدی هم‌چون هم‌تایان مرد می‌توانند بین ۲۰ تا ۳۰ درصد سطح تولید خود را در مزرعه افزایش دهند (FAO, 2011).

صرف‌نظر از چگونگی تعریف توانمندسازی، بسیاری از دانشمندان این مهم را مفهومی چند بعدی می‌دانند که می‌تواند در ابعاد مختلف تحقق یابد. مالهورتا (Malhotra, 2003) شش بعد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، خانوادگی، قانونی - حقوقی، سیاسی و روانی را به منزله مهم‌ترین ابعاد توانمندسازی زنان مد نظر قرار می‌دهد و هویس و همکاران (Huis *et al.*, 2017) توانمندسازی زنان را وابسته به طیفی از عوامل می‌دانند که شامل ابعاد شخصی، رابطه‌ای و اجتماعی می‌شود. به همین ترتیب، مدینا و هرات (Medina & Herrarte, 2020) توانمندسازی زنان را در قالب شش بعد سلامت، دسترسی به بازار کار، مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، برخورداری از آموزش پایه، دسترسی به منابع مالی و زندگی عمومی تعریف می‌کنند. به طور مشابه، ناهار و منگو (Nahar & Mengo, 2022) نیز در مرور نظام‌مند پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه توانمندسازی زنان در کشورهای در حال توسعه تأکید دارند که اصلی‌ترین ابعاد توانمندسازی شامل قدرت تصمیم‌گیری به ویژه در زمینه مسائل مالی و اقتصادی، توانایی اختیار در موضوعات مرتبط با باروری، آزادی در تحرک و خوداحترامی می‌باشد. آنچه مسلم است بررسی توانمندسازی از ابعاد مختلف می‌تواند بستر مناسبی را برای اتخاذ سیاست‌های راهبردی در جهت تقویت این ابعاد فراهم آورد (Jackson, 2010). در این زمینه، توانمندی اقتصادی زنان روستایی در کنار توانمندی‌های اجتماعی و روان‌شناختی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز برای بهبود مشارکت آن‌ها در جامعه به شمار می‌آید (فراشی و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، در جوامع امروزی مشارکت اقتصادی و چگونگی ایفای نقش زنان در ساختارهای اقتصادی یکی از شاخص‌های اصلی نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی است (موحدی و یعقوبی فرانی، ۱۳۹۳). هدف از توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارها و به دنبال آن کاهش فقر است (Ashburn & Warner, 2010).

بعد اقتصادی توانمندسازی، مشابه سایر ابعاد آن یک مفهوم چندوجهی محسوب می‌شود (خلیلی، ۱۳۹۴) که برای سنجش آن شاخص‌های گوناگونی ارائه شده است؛ برای نمونه، زمانی‌مقدم و افشانی (۱۴۰۰) مواردی مانند اشتغال و درآمد، مسکن، هزینه‌های مصرفی خانوار و خدمات مالی دولت و در پژوهش دیگری، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵) افزایش درآمد، قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی و آزادی اقتصادی را عمده‌ترین شاخص‌های سنجش توانمندسازی اقتصادی زنان در نظر گرفته‌اند. همین طور مقدس فریمانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز با تأکید بر اهمیت بعد اقتصادی توانمندسازی زنان، شاخص‌های سنجش آن را در قالب مواردی هم‌چون مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا، مشارکت در تصمیم‌های اقتصادی خانوار، همیاری و حمایت پیرامون مسائل اقتصادی و کنترل بر هزینه‌کرد منابع مالی در نظر گرفتند. هم‌چنین، علی‌بیگی و تقی‌بیگی (۱۴۰۱) مواردی اعم از اختیار کافی برای هزینه‌کرد درآمد، دسترسی به تسهیلات و اعتبارات، قدرت تصمیم‌گیری برای فروش محصول، دسترسی به عوامل تولید (نیروی انسانی، زمین و غیره) و برخورداری از سرمایه و منبع کسب درآمد را به عنوان شاخص‌های اصلی سنجش توانمندی اقتصادی زنان برشمرده‌اند. در پژوهش دیگری، شینوگی و همکاران (Shinogi *et al.*, 2021) در سنجش توانمندسازی اقتصادی زنان بر چهار شاخص ایجاد درآمد و توانایی پس‌انداز آن، استفاده از اعتبارات، قدرت فروش محصول و برخورداری از تحرک اقتصادی تأکید کرده‌اند. افزون بر موارد اشاره شده، توانایی انتقال سرمایه، مالکیت بر دارایی‌ها، توانایی بازپرداخت وام، دریافت یارانه و مشاغل رسمی با دستمزد از دیگر شاخص‌هایی به شمار می‌آیند که در مطالعات گوناگون برای سنجش توانمندسازی اقتصادی زنان به کار گرفته شده‌اند (نوروزی، ۱۳۹۵؛ قزلباش، ۱۴۰۱؛ Saluja *et al.*, 2023). در هر حال، با توجه به اهمیت بعد اقتصادی توانمندسازی، بیشتر مداخلات در زمینه توانمندسازی زنان بر این بعد تمرکز دارند، زیرا توانمندسازی اقتصادی معمولاً به طور خودکار به توانمندی در سایر ابعاد منتهی می‌شود (Bayissa *et al.*, 2018). بر این اساس، بررسی عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به ویژه شناسایی عوامل بازدارنده فراروی آن امری ضروری برای ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت دستیابی به توسعه پایدار به نظر می‌رسد (Ishfaq *et al.*, 2023).

در این راستا، استان زنجان با برخورداری از موقعیت راهبردی و منابع غنی شرایط مناسبی را برای توسعه همه‌جانبه از جمله توسعه اقتصادی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات دارد. با این وجود، شواهد حاکی از آن است که از ظرفیت‌های انسانی، امکانات و مواهب طبیعی این استان برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی به خوبی بهره گرفته نشده است؛ اهمیت این موضوع با در نظر گرفتن پایین بودن وضعیت شاخص‌های توسعه در بیشتر مناطق روستایی استان به ویژه شهرستان طارم دوچندان است (عباداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). در این زمینه، بررسی‌ها نشان می‌دهند با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های قابل توجه شهرستان طارم از نظر

فعالیت‌های کشاورزی (سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان، ۱۴۰۱)، بیشتر مناطق این شهرستان به ویژه دهستان‌های آب‌بر، چورزق و درام سطح توسعه‌یافتگی پایینی دارند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶) که در این بین، شدت محرومیت زنان روستایی به مراتب بیشتر بوده و به دلیل وجود موانع مختلف، سطح مشارکت و توانمندی اقتصادی آن‌ها پایین است. برای نمونه، بر اساس یافته‌های پژوهش شفيعی‌ثابت و یوسفی (۱۳۹۵) در حدود نیمی از زنان روستایی شهرستان طارم در تولیدات زراعی و باغی مشارکت نداشته یا این که سطح مشارکت آن‌ها بسیار ضعیف است؛ به همین ترتیب، نزدیک به سه چهارم از زنان نیز در تولید محصولات دامی مشارکت ندارند. به طور مشابه، قزلباش (۱۴۰۱) در مطالعه خود سهم زنان روستایی شهرستان طارم در اقتصاد منطقه را بسیار کم-رنگ ارزیابی کرده و تأکید دارد که تنها در حدود یک سوم از آن‌ها دارای فعالیت درآمدزا هستند. همچنین، میانگین درآمد در بین زنان روستایی شهرستان طارم به شکل قابل‌توجهی پایین‌تر از مردان بوده و از نظر سطح تحصیلات نیز شمار اندکی (کمتر از ۱۰ درصد) از آن‌ها تحصیلات دانشگاهی دارند. به استناد بررسی‌های صورت گرفته، بیش از دو سوم زنان در این شهرستان در صندوق‌های اعتباری محلی عضویت نداشته و تعداد بسیار کمی از آن‌ها (کمتر از ۱۰ درصد) موفق به دریافت وام و تسهیلات بانکی شده‌اند. افزون بر موارد اشاره شده، یافته‌های پژوهش‌ها حاکی از آن است که سطح دسترسی بیشتر زنان روستایی شهرستان طارم به تجهیزات و فناوری‌های کشاورزی و غیرکشاورزی ضعیف بوده و نزدیک به سه چهارم آن‌ها دارای (اعم از مسکن، ماشین، زمین و غیره) تحت مالکیت شخصی ندارند (شفيعی‌ثابت و یوسفی، ۱۳۹۷؛ قزلباش، ۱۴۰۱). با توجه به وجود چنین شرایطی در منطقه و با در نظر گرفتن نقش انکارناپذیر زنان در فرایند توسعه روستایی، ضروری است با بررسی دقیق وضعیت موجود به ویژه موانع فراروی زنان جهت مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، زمینه لازم برای توانمندسازی اقتصادی آن‌ها در مناطق مختلف استان از جمله شهرستان طارم فراهم شود. با توجه به اهمیت موضوع، هدف اصلی این پژوهش «شناسایی عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم» بود. بر این اساس، در ادامه به مرور یافته‌های برخی از مهم‌ترین پژوهش‌ها که در داخل و خارج از کشور پیرامون بررسی موانع فراروی توانمندسازی زنان روستایی انجام گرفته، پرداخته شده است.

علی‌بیگی و تقی‌بیگی (۱۴۰۲) در برنامه‌ریزی راهبردی توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه از طریق کارآفرینی مشخص کردند که وجود باورهای سنتی در مورد زنان، اعتماد ضعیف مؤسسات و شرکت‌ها به زنان، حمایت ضعیف دولت از برنامه‌های توانمندسازی زنان، سیاست‌های مقطعی حمایت از زنان، عدم وجود آموزش، کمبود مهارت زنان و عدم وجود امنیت اجتماعی برای زنان در بازار کسب‌وکار از اصلی‌ترین موانع توانمندسازی زنان روستایی از طریق کارآفرینی بودند. اکبری‌آواز و شکار دوست (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پنج مؤلفه فرهنگی - اجتماعی، فردی - روانی، آموزشی، اقتصادی و ساختی - حمایتی، عمده‌ترین موانع توانمندسازی زنان روستایی در ایران بودند. در مطالعه دیگری، معقولی و همکاران (۱۳۹۷) به شناسایی چالش‌های توانمندسازی زنان روستایی در دهستان سراب نیلوفر از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین چالش‌ها شامل عدم حمایت کافی دولت از زنان کارآفرین، عدم دسترسی به اعتبارات خرد و یا منابع بانکی در دهستان، عدم جذابیت و تنوع کاری در برنامه‌های توانمندسازی، عدم وجود برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و ناکافی بودن نیازسنجی‌های ضروری در جهت شناسایی پتانسیل‌ها و قابلیت‌های توانمندسازی زنان روستایی بودند. شفيعی‌ثابت و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی موانع اقتصادی مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی در همدان دریافتند که مهم‌ترین این موانع شامل نادیده انگاشتن زنان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، عدم ارائه آموزش‌های لازم در راستای تواناسازی اجتماعی و اقتصادی زنان و نبود تشکل‌ها و تعاونی‌های تولید زنان روستایی بودند. به همین ترتیب، قنبری و انصاری (۱۳۹۴) در پژوهش خود به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان رستم پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش مشخص شد که نبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن میزان تحصیلات، وجود تعصبات خانوادگی و نبود حمایت‌های قانونی و شبکه ارتباطی اساسی‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی زنان بودند که توانستند حدود ۵۵ درصد از تغییرات عدم توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان را پیش‌بینی کنند. رضائی و ودادی (۱۳۹۳) در بررسی موانع مشارکت اقتصادی زنان در مناطق روستایی شهرستان ابهر نشان دادند که ۶۸ درصد از واریانس کل موانع مشارکت اقتصادی زنان روستایی را چهار عامل اجتماعی - فرهنگی، ساختاری - نهادی، فردی - روان‌شناختی و حرفه‌ای تبیین کردند.

احمتاج و همکاران (Ahmetaj et al., 2023) در پژوهش خود دریافتند که عدم دسترسی کافی به آموزش‌های مرتبط، عدم اختصاص یارانه برای فعالیت‌های اقتصادی از سوی دولت، تبعیض در جامعه، نبود سرمایه و توان مالی کافی و خانه‌داری و مسئولیت مراقبت از

فرزندان، عمده‌ترین چالش‌های کارآفرینی زنان بودند. سالوجا و همکاران (Saluja et al., 2023) در پژوهشی به مرور نظام‌مند موانع و مداخلات مرتبط با توانمندسازی زنان طی دو دهه اخیر بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که ساختارهای مردسالارانه، عوامل روان‌شناختی، دستمزد کم، سواد مالی پایین، دسترسی اندک به منابع مالی و اعتباری و قومیت از اصلی‌ترین موانع توانمندسازی زنان بودند. در پژوهش دیگری، چودری و همکاران (Choudhry et al., 2019) عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان در پاکستان را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین موانع توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شامل موانع آموزشی، نبود فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط زنان، عدم دسترسی به دارایی و نبود سیاست‌های حمایتی از فعالیت‌های اقتصادی زنان بودند. به طور مشابه، کلارک و همکاران (Clark et al., 2019) در بررسی تأثیر مراقبت از فرزندان بر توانمندسازی اقتصادی زنان در آفریقا به این نتیجه رسیدند که یکی از موانع موجود بر سر راه توانمندسازی اقتصادی زنان، درگیری‌ها و مسئولیت‌های ناشی از مراقبت از کودکان بود به نحوی که آن‌ها وقت کمتری برای اختصاص به انجام فعالیت‌های اقتصادی داشتند. در نهایت، منور و همکاران (Munawar et al., 2013) در مطالعه عوامل بازدارنده مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های دامپروری در پاکستان مشخص کردند که این موانع شامل نداشتن اعتماد به نفس کافی، امنیت اجتماعی پایین، ضعف تحصیلات، وجود تعارض‌های اجتماعی و کمبود اطلاعات رسانه‌ای بودند.

همان‌طور که از پیشینه تجربی پژوهش مشخص است، با وجود انجام مطالعات مختلف بیشتر این مطالعات به ویژه در داخل کشور توانمندسازی را در مفهوم عام آن که در بردارنده ابعاد مختلفی هم‌چون اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، روان‌شناختی و غیره است، مورد توجه قرار داده‌اند (قنبری و انصاری، ۱۳۹۴؛ معقولی و همکاران، ۱۳۹۷؛ اکبری‌آواز و شکار دوست، ۱۳۹۸؛ علی‌بیگی و تقی‌بیگی، ۱۴۰۲) و تعداد اندکی از این پژوهش‌ها به طور مشخص روی بررسی عوامل بازدارنده فراروی توانمندسازی زنان با تأکید بر بعد اقتصادی آن تمرکز کرده‌اند (رضائی و ودادی، ۱۳۹۳؛ شفیع‌ثابت و همکاران، ۱۳۹۷)؛ هر چند در همین پژوهش‌ها نیز شاخص‌های مرتبط با توانمندسازی اقتصادی به صورت کامل مد نظر قرار نگرفته و تنها به کسب درآمد از طریق مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی محدود شده است. این در حالی است که توانمندسازی اقتصادی زنان همان‌طور که اشاره شد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا شامل شاخص‌های عمده دیگری اعم از قدرت تحرک اقتصادی، دسترسی به بازار فروش، توانایی پس‌انداز، کنترل و مالکیت بر منابع (اعم از پول، زمین و فناوری) و سایر موارد است (قرلباش، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، هر چند در پژوهش‌های قبلی عوامل بازدارنده و موانع فراروی توانمندسازی زنان روستایی به طور عام و توانمندسازی اقتصادی آن‌ها به طور خاص مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند (رضائی و ودادی، ۱۳۹۳؛ شفیع‌ثابت و همکاران، ۱۳۹۷؛ معقولی و همکاران، ۱۳۹۷؛ اکبری‌آواز و شکار دوست، ۱۳۹۸؛ علی‌بیگی و تقی‌بیگی، ۱۴۰۲؛ Munawar et al., 2013; Clark et al., 2019; Ahmetaj et al., 2023; Saluja et al., 2023)، ولی شمار بسیار کمی از این پژوهش‌ها با سنجش میزان توانمندی اقتصادی زنان تلاش کرده‌اند تا شدت تأثیر هر یک از موانع شناسایی شده را به طور مستقیم بر میزان توانمندی اقتصادی زنان مورد بررسی و تحلیل قرار دهند (قنبری و انصاری، ۱۳۹۴) و از این طریق به درک دقیق‌تر و عمیق‌تری پیرامون موضوع دست پیدا کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ میزان کنترل متغیرها غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها میدانی و به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش تمامی زنان ۱۵ سال به بالا ساکن در روستاهای شهرستان طارم بودند که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، تعداد آن‌ها در حدود ۱۴۴۱۵ نفر بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که شهرستان طارم از دو بخش مرکزی (دهستان‌های گیلوان، درام و آب‌بر) و بخش چورزق (دهستان‌های چورزق و دستجرده) تشکیل شده است که در جدول ۱ به تعداد جامعه آماری در هر یک از بخش‌ها و دهستان‌های قرار گرفته در آن‌ها اشاره شده است. به منظور تعیین حجم نمونه آماری از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) با خطای پنج درصد و حداکثر واریانس (۰/۲۵) استفاده شد که بر اساس آن، یک نمونه ۳۷۵ نفری از زنان روستایی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (دهستان‌ها به عنوان طبقات) برای انجام پژوهش انتخاب شد.

واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

جدول ۱- تعداد زنان روستایی در شهرستان طارم و تعداد نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از دهستان‌ها

شماره	اسامی بخش‌ها	دهستان	جمعیت زنان بالای ۱۵ سال	نمونه در هر دهستان
۱		گیلوان	۴۳۳۹	۱۱۳
۲	مرکزی	درام	۲۰۰۳	۵۲
۳		آب‌بر	۱۸۵۸	۴۸
	مجموع		۸۲۰۰	۲۱۳
۱	چورزق	چورزق	۳۷۴۶	۹۸
۲	چورزق	دستجرده	۲۴۶۹	۶۴
	مجموع		۶۲۱۵	۱۶۲

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود که از سه بخش مشخصه‌های فردی - حرفه‌ای (شامل ۶ پرسش)، بررسی عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی و سنجش میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی تشکیل شده بود (جدول ۲). شایان ذکر است که گویه‌های مرتبط با عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی از طریق مرور گسترده و واکاوی دقیق پژوهش‌های مرتبط پیشین مانند مطالعاتی مانند رضایی و ودادی (۱۳۹۳)، قنبری و انصاری (۱۳۹۴)، شفیع‌ثابت و همکاران (۱۳۹۷)، علی‌بیگی و تقی‌بیگی (۱۴۰۲)، منور و همکاران (Munawar et al., 2013)، چودری و همکاران (Choudhry et al., 2019) و سالوجا و همکاران (Saluja et al., 2023) به دست آمد. همچنین، برای سنجش میزان توانمندی اقتصادی زنان از بین عوامل و شاخص‌های مختلفی که در بخش‌های قبلی به توضیح آن‌ها پرداخته شد، در این پژوهش روی دو عامل میزان تحرک اقتصادی و میزان قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان روستایی تمرکز شد (جدول ۲) (جلیلیان و سعدی، ۱۳۹۵؛ قزلباش، ۱۴۰۱؛ Saluja et al., 2023). به منظور بررسی روایی محتوایی ابزار پژوهش، نسخه اولیه پرسشنامه در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه زنجان و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان قرار گرفته و از نظر معیارهای مختلف اعم از رعایت دستور زبان، دقیق و مرتبط بودن پرسش‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در جای مناسب خود، استفاده از واژه‌های مناسب برای پرسش‌ها و واضح بودن معانی آن‌ها، مناسب بودن مقیاس سنجش پرسش‌ها، عدم ایجاد حساسیت در پاسخگویان، ساده بودن پرسش‌های طرح شده و امکان پاسخگویی آسان به آن‌ها، کافی بودن کمیت و کیفیت پرسش‌ها و اندازه‌گیری جامع جنبه‌های اصلی مفاهیم مورد مطالعه، بررسی شده و بر اساس نظرات آن‌ها مورد ویرایش و تأیید قرار گرفت. همچنین، برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز پیش‌آزمون (۲۵ نفر خارج از نمونه اصلی) انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های اصلی پرسشنامه در حد قابل قبول به دست آمد (جدول ۲). در نهایت، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSSWin26 تجزیه و تحلیل شده و یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل رگرسیون) ارائه شدند. ذکر این نکته ضروری است که برای انجام تحلیل رگرسیون، ابتدا عامل‌های استخراج شده از طریق تحلیل عاملی «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» در قالب مقادیر عاملی ذخیره شده و در گام بعدی این مقادیر به عنوان متغیرهای مستقل وارد تحلیل رگرسیون شده و میزان تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی برآورد شد (کلانتری، ۱۳۹۵).

جدول ۲- مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای هر یک از مقیاس‌های اصلی پرسشنامه

شماره	بخش‌های اصلی	زیربخش‌ها	تعداد گویه‌ها	نوع مقیاس	مقدار آلفای کرونباخ
۱	میزان توانمندی اقتصادی	تحرک اقتصادی قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی	۵ ۶	طیف لیکرت شش سطحی از ۰= اصلاً تا ۵= خیلی زیاد	۰/۸۱ ۰/۹۳
۲	عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی		۳۳	طیف لیکرت پنج سطحی از ۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد	۰/۹۱

یافته‌ها و بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه، ۴۲/۶ سال با انحراف معیار ۸/۸ بود. از نظر وضعیت تأهل، حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه را زنان متأهل تشکیل دادند. به لحاظ سطح تحصیلات، هر چند بیشترین فراوانی با ۲۵/۸ درصد مربوط به پاسخگویان با مدرک تحصیلی دیپلم بود، ولی در حدود ۱۷/۳ درصد از پاسخگویان نیز بی‌سواد بوده و تعداد بسیار کمی از آن‌ها (۹/۴ درصد) مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر داشتند. هم‌چنین، میانگین تعداد اعضای خانوار پاسخگویان مطالعه شده، ۴/۳ نفر با انحراف معیار ۱/۲ بود. یافته‌های به دست آمده در راستای داشتن فعالیت درآمدزا حاکی از آن بود که ۶۲/۵ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه فاقد فعالیت درآمدزا و ۳۷/۵ درصد از آن‌ها فعالیت درآمدزا داشتند. به لحاظ دسترسی به اعتبارات بانکی، با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد که تنها در حدود ۶/۷ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه موفق به دریافت وام و تسهیلات بانکی شده بودند.

رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط با میزان تحرک اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه نشان داد که بیشترین میزان تحرک اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه مربوط به «خرید مایحتاج از بازارهای داخل شهر» و «پس‌انداز پول در حساب شخصی» و پایین‌ترین مقدار آن نیز مربوط به «فروش محصولات در بازارهای داخل شهر» بود (جدول ۳). در این زمینه، می‌توان این گونه استنباط کرد، هر چند میانگین کل به دست آمده برای پنج گویه مرتبط با میزان تحرک اقتصادی زنان مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط (یعنی مقدار ۲/۵) بود، ولی بسته به ماهیت زمینه‌ها و فعالیت‌ها، میزان تحرک اقتصادی زنان روستایی می‌تواند بسیار متغیر باشد. برای نمونه، در مورد «خرید مایحتاج از بازارهای داخل شهر» که یک شاخص عمومی محسوب می‌شود، پاسخگویان عاملیت و قدرت تحرک بیشتری داشتند، در حالی که میزان تحرک اقتصادی آن‌ها برای شاخص‌های اصلی‌تری مانند فروش و بازاریابی محصولات بسیار محدودتر بود. در این مورد، قزلباش (۱۴۰۱) نیز با تأکید بر این یافته، تمرکز بر کار خانگی و تقسیم کار جنسیتی سنتی و در عین حال نداشتن مهارت‌های لازم و دسترسی محدود به آموزش را از مهم‌ترین دلایل پایین بودن میزان تحرک اقتصادی زنان در مناطق روستایی بر شمرده است.

جدول ۳- رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط با میزان تحرک اقتصادی زنان روستایی

شماره	گویه	میانگین*	انحراف معیار
۱	خرید مایحتاج از بازارهای داخل شهر	۳/۴۱	۱/۰۹
۲	پس‌انداز پول در حساب شخصی	۲/۶۸	۱/۱۹
۳	مسافرت با دوستان و آشنایان برای خرید	۲/۰۴	۱/۱۴
۴	فروش محصولات از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی	۱/۳۱	۱/۲۵
۵	فروش محصولات در بازارهای داخل شهر	۰/۹۴	۱/۰۶
	کل	۲/۰۸	۱/۱۵

* بر حسب طیف لیکرت شش سطحی از هیچ=۰ تا خیلی زیاد=۵

رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط با میزان قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه در جدول ۴ آورده شده است. با توجه به یافته‌ها، هر چند میانگین کل به دست آمده برای شش گویه مرتبط با قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان روستایی در مجموع پایین‌تر از حد متوسط (یعنی مقدار ۲/۵) بود، ولی میانگین‌های دو گویه «خرید خوراک و پوشاک» و «نحوه مدیریت هزینه‌های خانوار» نسبتاً بالا بود؛ شاید بتوان دلیل اصلی این یافته را به این موضوع نسبت داد که به طور سنتی زنان مسئولیت اصلی مدیریت خانه‌داری را بر عهده داشته و از آن‌ها انتظار می‌رود که در خصوص مواردی مانند خرید خوراک و پوشاک یا مدیریت هزینه‌های خانوار تصمیم‌گیری کنند. در حالی که بنا به دلایل پرشمار به ویژه نابرابری جنسیتی و وجود ساختارهای مردسالارانه، ضعف قوانین و سیاست‌های حمایتی، موانع فرهنگی و فقدان حمایت‌های اجتماعی کافی (زارعی، ۱۳۹۳)، همان طور که یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، میزان قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان روستایی در زمینه‌هایی هم‌چون خرید و فروش زمین کشاورزی و باغ، فروش محصولات زراعی و دامی در بازار و دریافت وام و اعتبارات بانکی، پایین بود (جدول ۴).

واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

جدول ۴- رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط با میزان قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان روستایی

رتبه	گویه	میانگین*	انحراف معیار
۱	تصمیم‌گیری برای خرید خوراک و پوشاک مورد نیاز خود و خانواده	۳/۷۲	۱/۶۸
۲	تصمیم‌گیری در مورد نحوه مدیریت هزینه‌های خانوار	۳/۰۶	۱/۳۳
۳	تصمیم‌گیری برای دریافت وام و اعتبارات بانکی	۲/۱۱	۱/۶۹
۴	تصمیم‌گیری برای خرید یا تغییر منزل مسکونی	۱/۴۷	۱/۳۳
۵	تصمیم‌گیری برای خرید و فروش زمین کشاورزی و باغ	۱/۲۵	۱/۱۲
۶	تصمیم‌گیری برای فروش محصولات زراعی و دامی در بازار	۱/۱۴	۱/۰۵
	کل	۲/۱۳	۱/۳۷

* برحسب طیف لیکرت شش سطحی از هیچ=۰ تا خیلی زیاد=۵

یافته‌های به دست آمده از رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی از دیدگاه زنان روستایی نشان داد که سه گویه «نبود تعاونی‌ها و تشکل‌های محلی قوی برای زنان روستایی»، «دسترسی نداشتن زنان روستایی به بازار فروش محصولات» و «موقتی و ناپایدار بودن فعالیت اقتصادی زنان روستایی» بالاترین رتبه‌ها و دو گویه «وجود هنجارها و تعصبات سوگیرانه درباره عدم فعالیت اقتصادی زنان در روستا» و «بی‌اعتمادی زنان روستایی نسبت به یکدیگر»، پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده بودند (جدول ۵).

جدول ۵- رتبه‌بندی گویه‌های مرتبط با عوامل بازدارنده توانمندی اقتصادی از دیدگاه زنان روستایی

شماره	گویه	میانگین*	انحراف معیار
۱	نبود تعاونی‌ها و تشکل‌های محلی قوی برای زنان روستایی	۳/۴۸	۰/۷۷
۲	دسترسی نداشتن زنان روستایی به بازار فروش محصولات	۳/۳۶	۰/۸۱
۳	موقتی و ناپایدار بودن فعالیت اقتصادی زنان روستایی	۳/۳۵	۰/۷۹
۴	فرصت‌های اندک زنان روستایی برای تحصیل و کسب مهارت‌های جدید	۳/۳۳	۰/۷۸
۵	محدودیت‌های جغرافیایی و زندگی در روستا	۳/۳۱	۰/۸۱
۶	دسترسی کم زنان روستایی به وسایل و راه‌های ارتباطی	۳/۳۰	۰/۸۵
۷	نبودن حمایت‌های دولتی کافی به ویژه تسهیلات بانکی برای زنان روستایی	۳/۲۹	۰/۸۱
۸	مالکیت ضعیف زنان روستایی بر روی منابع تولید به ویژه زمین	۳/۲۶	۰/۸۵
۹	کوچک بودن مقیاس فعالیت اقتصادی زنان و در نتیجه پایین بودن درآمد آن‌ها	۳/۲۰	۰/۸۰
۱۰	زیاد بودن مسئولیت و مشغله کاری زنان روستایی در امور منزل و فرزندان	۳/۰۸	۰/۶۰
۱۱	سخت و طاقت‌فرسا بودن فعالیت‌های کشاورزی	۳/۰۷	۰/۷۹
۱۲	دسترسی ضعیف زنان روستایی به منابع تولیدی مانند سرمایه، فناوری‌ها و غیره	۳/۰۲	۰/۷۹
۱۳	نداشتن انگیزه کافی برای اشتغال و انجام فعالیت‌های اقتصادی	۳	۰/۸۴
۱۴	پایین بودن اعتماد به نفس زنان روستایی برای داشتن فعالیت اقتصادی	۲/۹۹	۰/۸۶
۱۵	محدودیت جسمانی زنان روستایی نسبت به مردان	۲/۹۸	۰/۸۸
۱۶	نداشتن تجارب کاری کافی زنان روستایی	۲/۹۵	۰/۷۹
۱۷	پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی	۲/۹۳	۰/۷۳
۱۸	پایین بودن سطح تخصص و مهارت‌های فنی و شغلی زنان روستایی	۲/۹۲	۰/۸۱
۱۹	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری زنان روستایی	۲/۹۱	۰/۸۲
۲۰	نپذیرفتن مسئولیت‌های کاری توسط زنان روستایی	۲/۹۰	۰/۹۳
۲۱	داشتن تجربه ناموفق قبلی در فعالیت‌های اقتصادی	۲/۹۹	۰/۹۱
۲۲	مناسب نبودن برخی از فعالیت‌ها برای زنان از دیدگاه روستاییان	۲/۸۷	۰/۶۴
۲۳	ضعف روحیه خلاقیت و نوآوری در میان زنان روستایی	۲/۸۵	۰/۹۳
۲۴	پایین بودن سطح دستمزد زنان روستایی نسبت به مردان	۲/۸۱	۰/۷۵

ادامه جدول ۵

شماره	گویه	میانگین*	انحراف معیار
۲۵	به رسمیت نشناختن زنان روستایی به عنوان اعضای فعال اقتصادی در جامعه	۲/۷۷	۰/۸۷
۲۶	فرصت‌های اندک زنان روستایی برای آموزش و کسب مهارت‌های جدید	۲/۷۵	۰/۸۷
۲۷	عدم باور و بی‌اعتمادی مردان به زنان برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت اقتصادی	۲/۷۴	۰/۷۴
۲۸	عدم رضایت و اجازه همسر برای فعالیت زن در خارج از منزل	۲/۷۳	۰/۸۷
۲۹	در نظر گرفتن کار زنان روستایی به عنوان یک فعالیت جانبی و بی‌نیازی خانواده به درآمد آن‌ها	۲/۷۱	۰/۸۰
۳۰	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	۲/۷۰	۰/۸۶
۳۱	منزلت پایین مشاغل کشاورزی برای زنان روستایی	۲/۶۸	۰/۹۵
۳۲	وجود هنجارها و تعصبات سوگیرانه درباره عدم فعالیت اقتصادی زنان در روستا (وجود فرهنگ مردسالاری)	۲/۶۷	۰/۹۴
۳۳	بی‌اعتمادی زنان روستایی نسبت به یکدیگر	۲/۵۸	۰/۹۷

* بر حسب طیف لیکرت پنج سطحی از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵

در این بخش، به منظور واکاوی و دسته‌بندی «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» از تحلیل عاملی اکتشافی بهره گرفته شد. در این راستا، آزمون بارتلت و شاخص KMO جهت تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل به کار گرفته شد که یافته‌های آن در جدول ۶ آورده شده است. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح ۰/۰۱ و مقدار مناسب KMO، حاکی از همبستگی و کافی بودن حجم نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی بود (جدول ۶).

جدول ۶- مقدار KMO و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی	۰/۹۳۱	۵۸۸۵/۹۹۸	۰/۰۰۱

عامل‌های استخراج شده مجموعه مورد تحلیل یعنی «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» همراه با مقدار ویژه درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی (قبل و بعد از چرخش عامل‌ها) در جدول ۷ آورده شده است. با توجه به اطلاعات مندرج در این جدول، از بین پنج عامل استخراجی دو عامل «ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری» و «ضعف روحیه کارآفرینانه» بیشترین میزان واریانس تبیین شده را به خود اختصاص داده و در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند. در مجموع، پنج عامل استخراج شده در حدود ۶۱/۵ درصد از واریانس کل «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» را تبیین کرده‌اند که حاکی از میزان واریانس مناسب تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده دارد.

جدول ۷- عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس آن‌ها (قبل و بعد از چرخش عامل‌ها)

شماره	عامل‌ها	قبل از چرخش عامل‌ها			بعد از چرخش عامل‌ها		
		مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری	۱۳/۰۲۱	۴۰/۷۰	۴۰/۷۰	۶/۳۹۵	۱۹/۹۹	۱۹/۹۹
۲	ضعف روحیه کارآفرینانه	۲/۳۱۵	۷/۲۴	۴۷/۹۴	۴/۴۴۹	۱۳/۹۱	۳۳/۸۹
۳	بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا	۲/۰۱۱	۶/۲۸	۵۴/۲۲	۳/۴۷۳	۱۰/۸۵	۴۴/۷۴
۴	طرشدگی و رانده شدن به حاشیه	۱/۲۲۹	۳/۸۴	۵۸/۰۶	۲/۹۲۸	۹/۱۵	۵۳/۹۰
۵	ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای	۱/۰۹۲	۳/۴۱	۶۱/۴۷	۲/۴۲۳	۷/۵۷	۶۱/۴۷

واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

وضعیت قرارگیری مجموعه متغیرهای مرتبط با «عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی» با توجه به عوامل استخراج شده با فرض شدن متغیرهای دارای بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ پس از چرخش عامل‌ها به روش واریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها در جدول ۸ آورده شده است. البته باید به این نکته اشاره نمود که پس از چرخش واریماکس، دو متغیر «هنزلت پایین مشاغل کشاورزی برای زنان روستایی» و «محدودیت‌های جسمانی زنان روستایی نسبت به مردان» به دلیل پایین بودن بار عاملی (کمتر از ۰/۵) و در نتیجه معنی‌دار نبودن همبستگی آن‌ها با دیگر متغیرها از فرایند تحلیل حذف شدند.

جدول ۸- متغیرهای مربوط به عوامل و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس چرخش یافته

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
	دسترسی کم زنان روستایی به وسایل و راه‌های ارتباطی	۰/۷۵۰
	مالکیت ضعیف زنان روستایی روی منابع تولید به ویژه زمین	۰/۷۴۱
	محدودیت‌های جغرافیایی و زندگی در روستا	۰/۷۲۰
ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های	دسترسی نداشتن زنان روستایی به بازار فروش محصولات	۰/۷۲۰
	دسترسی ضعیف زنان روستایی به منابع تولیدی مانند سرمایه، فناوری‌ها و غیره	۰/۷۱۷
ساختاری	نبود حمایت‌های دولتی کافی به ویژه تسهیلات بانکی برای زنان روستایی	۰/۶۸۷
	نبود تعاونی‌ها و تشکل‌های محلی قوی برای زنان روستایی	۰/۶۷۸
	موقتی و ناپایدار بودن فعالیت اقتصادی زنان روستایی	۰/۶۶۳
	سخت و طاقت‌فرسا بودن فعالیت‌های کشاورزی	۰/۵۷۴

ادامه جدول ۸

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
	ضعف روحیه خلاقیت و نوآوری در بین زنان روستایی	۰/۷۳۲
	بی‌اعتمادی زنان روستایی نسبت به یکدیگر	۰/۶۹۰
	نپذیرفتن مسئولیت‌های کاری توسط زنان روستایی	۰/۶۶۱
ضعف روحیه کارآفرینانه	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	۰/۶۳۱
	داشتن تجربه ناموفق قبلی در فعالیت‌های اقتصادی	۰/۵۸۹
	پایین بودن اعتماد به نفس زنان برای داشتن فعالیت‌های اقتصادی	۰/۵۸۲
	پایین بودن سطح ریسک‌پذیری زنان روستایی	۰/۵۵۷
	نداشتن انگیزه کافی برای اشتغال و انجام فعالیت‌های اقتصادی	۰/۵۴۳
بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا	وجود هنجارها و تعصبات سوگیرانه درباره عدم فعالیت اقتصادی زنان در روستا	۰/۷۸۶
	عدم باور و بی‌اعتمادی مردان به زنان برای انجام موفقیت‌آمیز فعالیت اقتصادی	۰/۷۲۳
	عدم رضایت و اجازه همسر برای فعالیت زن در خارج از منزل	۰/۷۰۵
	مناسب نبودن برخی فعالیت‌ها برای زنان از دیدگاه روستاییان	۰/۵۷۱
	زیاد بودن مسئولیت و مشغله کاری زنان روستایی در امور زنان در روستا	۰/۵۲۳
	به رسمیت نشناختن زنان روستایی به عنوان اعضای فعال اقتصادی در جامعه	۰/۶۵۱
طرشدگی و رانده شدن به حاشیه	پایین بودن سطح دستمزد زنان روستایی نسبت به مردان	۰/۶۵۱
	کوچک بودن مقیاس فعالیت‌های اقتصادی زنان و در نتیجه پایین بودن درآمد آن‌ها	۰/۶۳۴
	در نظر گرفتن کار زنان روستایی به عنوان یک فعالیت جانبی و بی‌نیازی خانواده به درآمد آن‌ها	۰/۶۱۶
	فرصت‌های اندک زنان روستایی برای آموزش و کسب مهارت‌های جدید	۰/۵۲۱
ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای	پایین بودن سطح تخصص و مهارت‌های فنی و شغلی زنان روستایی	۰/۷۰۵
	نداشتن تجارب کاری کافی زنان روستایی	۰/۶۶۱
	پایین بودن سطح تحصیلات زنان روستایی	۰/۵۰۲

پس از انجام تحلیل عاملی و دسته‌بندی عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی، در ادامه جهت بررسی میزان تأثیر هر یک از این عوامل بازدارنده بر متغیر وابسته «میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی» از تحلیل رگرسیون استفاده شد. برای این منظور، پنج عامل استخراج شده از تحلیل عاملی شامل ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری، ضعف روحیه کارآفرینانه، بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا، پردشدگی و رانده شدن به حاشیه و ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای به صورت مقادیر عاملی محاسبه شده و به عنوان متغیرهای مستقل وارد تحلیل رگرسیون شدند. یافته‌های تحلیل رگرسیون نشان داد که پنج متغیر وارد شده در تحلیل در مجموع ۵۷/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته «میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی» را تبیین کردند (جدول ۸).

جدول ۸- ضرایب تعیین عوامل بازدارنده تأثیرگذار بر میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی

شماره	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۰/۵۵۱	۰/۳۰۴	۰/۳۰۲
۲	۰/۶۶۷	۰/۴۴۵	۰/۴۴۳
۳	۰/۷۱۸	۰/۵۱۶	۰/۵۱۳
۴	۰/۷۴۴	۰/۵۵۴	۰/۵۵۱
۵	۰/۷۶۱	۰/۵۷۹	۰/۵۷۵

همچنین، همان طور که از یافته‌ها در جدول ۹ مشخص است، مقادیر t مربوط به هر پنج متغیر وارد شده در تحلیل در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بود؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که هر پنج متغیر ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری، ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای، بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا، ضعف روحیه کارآفرینانه و پردشدگی و رانده شدن به حاشیه اثر منفی و معنی‌داری بر متغیر وابسته میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی داشتند.

جدول ۹- مشخصه‌های مدل نهایی معادله رگرسیونی عوامل بازدارنده تأثیرگذار بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی

متغیر	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد شده	مقدار t
ضریب ثابت	۲/۳۰۳	-	۳/۵۴۲*
ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری	-۰/۵۴۱	-۰/۳۲۶	-۸/۷۲۷*
ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای	-۰/۵۳۶	-۰/۲۹۵	-۷/۴۶۴*
بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا	-۰/۳۳۹	-۰/۲۴۵	-۶/۶۶۳*
ضعف روحیه کارآفرینانه	-۰/۲۶۸	-۰/۲۰۵	-۵/۸۳۸*
پردشدگی و رانده شدن به حاشیه	-۰/۲۷۳	-۰/۱۵۸	-۳/۵۰۹*

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

با توجه به یافته‌های این پژوهش مشخص شد که متغیر ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی داشت. اهمیت این عامل در پژوهش‌های علی‌بیگی و تقی‌بیگی (۱۴۰۲)، اکبری‌آواز و شکار دوست (۱۳۹۸)، معقولی و همکاران (۱۳۹۷)، رضائی و ودادی (۱۳۹۳)، احم‌تاج و همکاران (Ahmetaj et al., 2023) و چودری و همکاران (Choudhry et al., 2019) نیز تأیید شده است. در این راستا، یافته‌های پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که بهبود فضا و محیط کسب‌وکار از طریق اعمال سیاست‌های حمایتی از زنان روستایی می‌تواند نقش بسیار مهمی در توانمندی اقتصادی زنان روستایی داشته باشد. برای نمونه، حاجی‌لو و همکاران (۱۳۹۹) بحث می‌کنند که پشتیبانی مالی و حقوقی از زنان و دستیابی بیشتر آن‌ها به منابع تولیدی اعم از زمین، سرمایه و فناوری‌ها منجر به استقلال و اعتمادبه‌نفس بیشتری در زنان شده و در نتیجه آن‌ها می‌توانند قابلیت‌ها و مهارت‌های خود در زمینه‌های اقتصادی را به نحو بهتری بروز دهند. هم‌چنین، تشکیل تعاونی‌ها می‌تواند موجب کاهش فشار روانی، اقتصادی و اجتماعی روی زنان شده و زمینه رشد، خوداتکایی و خودشکوفایی آنان را فراهم کند. در این مورد،

حق‌پناه و صادق‌لو (۱۴۰۰) و فولت (Follett, 2018) نیز استدلال می‌کنند که دسترسی و مشارکت زنان در بازار موجب استقلال اقتصادی، افزایش قدرت چانه‌زنی، شبکه‌سازی و کاهش جنسیت‌گرایی و سایر اشکال تعصب جمعی و در نهایت توانمندی اقتصادی آن‌ها می‌شود. به همین ترتیب، یافته‌های پژوهش‌های پرشماری بر تأثیر مستقیم دسترسی زنان روستایی به اعتبارات و تسهیلات بانکی بر توسعه کارآفرینی و توانمندسازی اقتصادی آن‌ها به ویژه از طریق بهبود دسترسی زنان به اعتبارات خرد تأکید دارند (خسروجردی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مقدس فریمانی و میرترابی، ۱۳۹۹؛ نوروزی و همکاران، ۱۳۹۸؛ شفیع‌ی‌ثابت و همکاران، ۱۳۹۷؛ Akhter & Cheng, 2020; Abebe & Kegne, 2023). به طور مشابه، مقدس فریمانی و میرترابی (۱۳۹۹) نیز بر این باورند که حمایت از زنان و افزایش دسترسی آن‌ها به منابع و دارایی‌ها، فرصت مشارکت و تصمیم‌گیری زنان درباره مسائل زندگی و قدرت تأثیرگذاری آن‌ها بر محیط اطراف را افزایش می‌دهد و موجب توانمندسازی آن‌ها می‌شود. با وجود اهمیت موضوع، ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۰) با فراتحلیل پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه توانمندسازی زنان به این نتیجه رسیده‌اند که در کشورهای در حال توسعه قوانین دست‌وپاگیری بر سر راه توانمندسازی زنان روستایی وجود داشته و یا این که زنان دسترسی مناسبی به منابع، مواد اولیه و ابزارآلات تولیدی و به طور مهم‌تر بازار فروش محصولات ندارند. در همین زمینه، یافته‌های توصیفی این پژوهش نیز نشان داد که زنان روستایی در شهرستان طارم تحرک اقتصادی بسیار ضعیفی برای فروش محصولات تولیدی خود در بازار داشته و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها برای فروش محصولات زراعی و دامی بسیار محدود است؛ هم‌چنان که تنها نزدیک به هفت درصد از آن‌ها موفق به دریافت اعتبارات بانکی شده بودند. افزون بر موارد اشاره شده، دسترسی کم زنان روستایی به وسایل و راه‌های ارتباطی به موازات برخی عوامل ساختاری محدودکننده هم‌چون محدودیت‌های جغرافیایی و زندگی در روستا و سخت و طاقت‌فرسا بودن فعالیت‌های کشاورزی، شرایط بسیار دشواری را برای مشارکت و توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم فراهم کرده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش مشخص شد که ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای اثر منفی و معنی‌داری بر میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی داشت، به طوری که این متغیر پس از عامل ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری از بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته برخوردار بود. در پژوهش‌های علی‌بیگی و تقی‌بیگی (۱۴۰۲)، اکبری‌آواز و شکار دوست (۱۳۹۸)، قنبری و انصاری (۱۳۹۴)، رضائی و ودادی (۱۳۹۳) و منور و همکاران (Munawar et al., 2013) نیز بر اهمیت این عامل تأکید شده است. در این مورد، مقدس فریمانی و میرترابی (۱۳۹۹) بحث می‌کنند که به هر اندازه سطح دانش و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و به بیان دقیق‌تر سطح شایستگی‌های حرفه‌ای زنان بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که سهم تعیین‌کنندگی آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد؛ چنان‌چه فرد در دوره‌های پیشین زندگی خود چنین دانش و مهارت‌هایی را فراگرفته باشد، برای وی یک سرمایه بالقوه به حساب می‌آید که می‌تواند در شرایطی مشخص آن را به ابزاری برای بهبود و ارتقای میزان توانمندی اقتصادی خود تبدیل کند. حاجی‌لو و همکاران (۱۳۹۹) و چئونگ و همکاران (Cheung et al., 2012) نیز با تأکید بر نقش شایستگی‌های فردی و حرفه‌ای در بهبود سطح توانمندی افراد، بر این باورند که داشتن تجارب کاری و تخصص و مهارت‌های فنی مناسب، احساس خودکارآمدی در افراد را افزایش داده و آمادگی ذهنی بیشتری به آن‌ها جهت انجام بهتر فعالیت‌های شغلی می‌دهد. با وجود اهمیت این عامل، همان‌طور که یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داد که سطح شایستگی‌های حرفه‌ای در بین زنان روستایی شهرستان طارم در سطح چندان مطلوبی نبود. برای نمونه، سطح تحصیلات بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه نسبتاً پایین بود و یا این که نزدیک به دو سوم آن‌ها فاقد فعالیت درآمدزا بوده و در نتیجه، تجارب کاری کافی نداشتند. در هر حال، ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای اثر منفی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه داشته و سبب شده است تا میزان تحرک و قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی آن‌ها به طور قابل‌توجهی کاهش یابد.

هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (رضائی و ودادی، ۱۳۹۳؛ قنبری و انصاری، ۱۳۹۴؛ اکبری‌آواز و شکار دوست، ۱۳۹۸؛ Ahmetaj et al., 2023)، بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه در شهرستان طارم بود که پس از دو متغیر ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری و ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای، از نظر میزان تأثیر در رتبه سوم قرار داشت. رضائی و ودادی (۱۳۹۳) موانع اجتماعی - فرهنگی را یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته و بحث می‌کنند که مردان بنا به دلایل مختلف از جمله باورها و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر روستا و داشتن هنجارها و تعصبات سوگیرانه، اعتماد چندان به توانمندی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای زنان نداشته و عرصه فعالیت‌های اقتصادی را بر آن‌ها بسیار تنگ می‌کنند. حتی در این زمینه، سالوجا و همکاران (Saluja et al., 2023) پا

را فراتر گذاشته و تأکید می‌کنند که در برخی کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود ساختارهای پدرسالارانه، به زنان به عنوان شهروندان درجه دوم نگریسته می‌شود که این مسئله دشواری‌های زیادی را برای آن‌ها جهت مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی به همراه دارد. شاید به همین دلیل است که مقدس فریمانی و میرترابی (۱۳۹۹) وجود بسترهای فرهنگی مناسب را اصلی‌ترین عامل تسهیل‌کننده توانمندی اقتصادی زنان قلمداد می‌کنند. به عبارتی، هر چه باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت مانند «برتری مرد بر زن در تصمیم‌گیری» و «باور به تبعیت زن از مرد» در جامعه ضعیف‌تر باشد، زنان روستایی از آزادی عمل و استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری و فعالیت در زمینه‌های اقتصادی برخوردار بوده و میزان توانمندی اقتصادی آن‌ها بهبود می‌یابد. بر همین اساس، ظفری‌نسب و همکاران (۱۴۰۰) تصریح می‌کنند که برای توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف (از جمله اقتصادی) و تحقق نقش آن‌ها در فرایند توسعه روستایی، ضروری است با حذف ساختارهای پدرسالارانه، تعصبات کلیشه‌ای و بی‌جا کنار گذاشته شود، دیدگاه عموم روستاییان پیرامون مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از ذهنیت منفی و خاکستری به نگرش مثبت تغییر یابد و زمینه برای بهبود قدرت اجتماعی زنان (علاقمندی به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، قدرت تعامل با دیگران و قدرت مشارکت در فعالیت‌های گروهی) فراهم شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بدون تردید، نادیده گرفتن زنان روستایی در برنامه‌های توسعه و عدم برنامه‌ریزی برای شناسایی و رفع موانع فراروی آن‌ها جهت توانمندسازی در ابعاد مختلف به ویژه بعد اقتصادی می‌تواند آسیب‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره جامعه وارد نماید و فرایند توسعه روستایی را با تأخیر جدی روبرو سازد. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف «تحلیل عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم» انجام گرفت. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین توانمندی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم در مجموع پایین‌تر از سطح متوسط بود به طوری که به غیر از برخی موارد عمومی مانند خرید از بازارهای داخل شهر یا مسافرت با دوستان و آشنایان برای خرید، در بعد «تحرك اقتصادی» و تصمیم‌گیری برای خرید خوراک و پوشاک یا نحوه مدیریت هزینه‌های خانوار، در بعد «قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی»، از نظر شاخص‌های اصلی‌تر در این دو بعد هم‌چون فروش محصولات در بازارهای داخل شهر یا اقدام به فروش محصول از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، دریافت وام و اعتبارات بانکی و نیز تصمیم‌گیری برای خرید و فروش زمین کشاورزی، باغ و منزل مسکونی، میانگین‌های به دست آمده پایین‌تر از سطح متوسط بودند. این در حالی است که انتظار می‌رود زنان به عنوان یکی از کنشگران مستعد برای فعالیت‌های اقتصادی در شهرستان طارم به ویژه در حوزه کشاورزی، از عاملیت و قدرت نقش‌آفرینی بیشتری در این فعالیت‌ها برخوردار باشند.

با توجه به نتایج این پژوهش مشخص شد که موانع مختلفی بر سر راه توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان طارم وجود داشت که در این زمینه، نخستین و اصلی‌ترین عامل مربوط به ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری بود. این نتیجه بر اهمیت تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی و شکل‌دهی ساختارهای تسهیل‌کننده برای بهبود مشارکت اقتصادی زنان روستایی به ویژه از نظر افزایش سطح کنترل و دسترسی آن‌ها به منابع تولیدی، تسهیلات بانکی، ابزارهای ارتباطی و بازار فروش محصولات تأکید دارد؛ شرایطی که دست‌کم در عمل تاکنون به خوبی فراهم نشده است. ضعف شایستگی‌های حرفه‌ای دومین عامل بازدارنده توانمندی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم بود که این عامل بیشتر بر نداشتن تجارب کاری کافی از یک سو و پایین بودن سطح تحصیلات، تخصص و مهارت‌های فنی و شغلی زنان روستایی از سوی دیگر دلالت دارد. در این راستا، سطح پایین توسعه‌یافتگی دهستان‌های شهرستان طارم و شدت بیشتر محرومیت‌ها در بین زنان روستایی سبب شده است تا آن‌ها دسترسی کمتری به آموزش‌ها اعم از رسمی و غیررسمی جهت ایجاد و تقویت صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها حرفه‌ای خود داشته باشند که این مسئله به شکل منفی توانمندی اقتصادی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا و طردشدگی و رانده شدن به حاشیه از دیگر موانع اصلی توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی بودند که در قالب عامل‌های سوم و پنجم (بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون) مورد تأکید قرار گرفتند. آنچه مسلم است به هر اندازه مجموعه ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها نسبت به زنان روستایی و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی نامساعد و ناسازگار باشد، به همان اندازه فضا و فرصت کمتری برای اشتغال و کارآفرینی و در نتیجه توانمندسازی

زنان روستایی در بعد اقتصادی و سایر ابعاد فراهم خواهد شد؛ مسئله‌ای که در حال حاضر به دلیل بافت اجتماعی - فرهنگی مناطق روستایی شهرستان طارم از نظر وجود برخی هنجارها و تعصبات سوگیرانه درباره عدم فعالیت اقتصادی زنان و بی‌اعتمادی به آن‌ها برای انجام موفقیت‌آمیز این فعالیت‌ها دیده می‌شود. در نهایت، با توجه به نتایج این پژوهش ضعف روحیه کارآفرینانه یکی دیگر از عوامل بازدارنده توانمندی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم بود. بدون تردید، کارآفرینی بخش جدایی‌ناپذیری از برنامه‌های توانمندسازی زنان محسوب می‌شود که می‌تواند افزون بر بهبود توانمندی اقتصادی زنان روستایی از طریق ارائه فرصت‌های کسب‌وکار، به واسطه افزایش سطح اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی زنان و در عین حال تقویت فعالیت‌های تیمی و در نتیجه بالا بردن سرمایه اجتماعی در بین آن‌ها، منجر به توانمندی در سایر ابعاد (توانمندی روانی و اجتماعی) نیز گردد. بر این اساس، ضروری است برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با بهبود روحیه کارآفرینانه زنان روستایی و برنامه‌ریزی در راستای برداشتن موانع پیش‌روی آن‌ها در این زمینه به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرند.

در مجموع، بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عوامل بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی یک مفهوم پیچیده و چندوجهی به شمار می‌آید که بخشی از آن مانند ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری به نهادهای سیاست‌گذار و نظام حکمرانی در یک جامعه بستگی داشته، برخی دیگر هم‌چون بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا و طردشدگی و رانده شدن به حاشیه به محیط پیرامونی و بستر فرهنگی - اجتماعی جامعه مربوط می‌شود و در نهایت، بخش دیگری از آن نیز مانند ضعف روحیه کارآفرینانه و پایین بودن شایستگی‌های حرفه‌ای، بیشتر جنبه فردی - روان‌شناختی داشته و ریشه در عوامل حرفه‌ای و شخصیتی زنان روستایی دارد.

در این راستا، بر پایه نتایج اصلی پژوهش حاضر پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اهمیت عامل ضعف پشتیبانی و محدودیت‌های ساختاری پیشنهاد می‌شود از طریق توجه به برنامه‌ها و اقداماتی هم‌چون تسهیل دسترسی زنان به منابع اعتباری، سرمایه و تسهیلات بانکی با شرایط مناسب (درصد بهره پایین و دوره بازپرداخت طولانی) جهت ایجاد خوداشتغالی، اشتغال خانگی، راه‌اندازی کسب‌وکار و فعالیت تولیدی؛ تسهیل دسترسی زنان به نهادهای و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید محصول (شبکه تأمین)؛ تزریق مالی و کمک به تقویت و تجهیز پس‌انداز صندوق‌های اعتباری خرد زنان؛ شکل‌دهی تعاونی‌ها و شبکه‌های فروش به منظور کمک به بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی زنان؛ راه‌اندازی بازارچه‌های خوداشتغالی و در نظر گرفتن مکانی برای عرضه و فروش مستقیم محصولات تولیدی زنان، حمایت و پشتیبانی لازم جهت بهبود توانمندی اقتصادی زنان روستایی فراهم شود.

- با در نظر گرفتن نتایج پژوهش مبنی بر اهمیت عامل‌های ضعف روحیه کارآفرینانه و پایین بودن شایستگی‌های حرفه‌ای زنان روستایی پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری مستمر دوره‌های مهارتی و توان‌افزایی شغلی/ حرفه‌ای به ویژه از سوی مراکز فنی - حرفه‌ای همراه با ارائه گواهی‌های معتبر؛ ارائه خدمات ترویجی - مشاوره‌ای هدفمند متناسب با نیازهای شغلی و حرفه‌ای زنان؛ برگزاری کارگاه‌های آموزشی منظم به صورت دوره‌ای برای تقویت روحیه و مهارت‌های کار گروهی و مشارکتی زنان و در عین حال ارائه آموزش‌های مرتبط با خلاقیت و نوآوری برای تقویت قابلیت‌های کارآفرینانه آن‌ها، به موازات افزایش سطح مهارت‌ها و ظرفیت‌های فنی و تخصصی، زمینه لازم برای بهبود روحیه کارآفرینی زنان روستایی نیز فراهم شود.

- با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اهمیت عامل بی‌اعتمادی و تعصبات اجتماعی نابجا، پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های گروهی و تدوین و اجرای برنامه‌های ترویجی به ویژه دوره‌های آموزشی ضمن افزایش سطح خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس زنان روستایی، آن‌ها را نسبت به حقوق اجتماعی - اقتصادی خود و نیز جایگاه و توانایی‌های بالقوه‌شان در بعد اقتصادی آگاه ساخت. هم‌چنین، ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی، گروه‌های همیار، تشکل‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی با محوریت زنان روستایی؛ برگزاری رویدادهای اجتماعی - فرهنگی (اعم از جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و غیره) در راستای شناساندن توانمندی‌های اقتصادی زنان روستایی و در نهایت شناسایی و معرفی زنان موفق و کارآفرین در منطقه از دیگر پیشنهادها این پژوهش به منظور بهبود نگرش عموم جامعه روستایی نسبت به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های زنان روستایی و کاهش تبعیض‌های جنسیتی و کم‌رنگ کردن تعصبات اجتماعی نابجا پیرامون مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرینی است.

- اکبری آواز، ف.، و شکار دوست، ع. (۱۳۹۸). موانع توانمندسازی زنان روستایی در ایران. مجموعه مقالات سومین همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی، قزوین، ۲۳ بهمن، صص ۱۲-۱.
- بوزرجمهری، خ.، و جوانی، خ. (۱۴۰۱). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان رشتخوار، استان خراسان رضوی). *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۵۴، شماره ۲، صص ۷۵۱-۷۳۵. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2021.306861.1008147>
- جلیلیان، س.، و سعدی، ح. (۱۳۹۵). نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اسلام‌آبادغرب). *مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۴۱-۱۲۹. <https://doi.org/20.1001.1.22516735.1395.6.21.10.8>
- حاجی‌لو، و.، ولی‌زاده، ح.، و مقیمی، ز. (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های سازماندهی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در شهرستان چالدران. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۲۲، شماره ۸۹، صص ۱۱۶-۹۵. <https://doi.org/10.22095/JWSS.2020.164003.1841>
- حق‌پناه، ه.، و صادقلو، ط. (۱۴۰۰). تحلیل نقش بازارهای محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مورد: شهرستان قائن). *مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، دوره ۴، شماره ۳۸، صص ۲۰۸-۱۸۵.
- خسروجردی، م.، نوری‌پور، م.، و کرمی کالوس، آ. (۱۴۰۱). بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۴۵. <https://doi.org/20.1001.1.20081758.1401.18.2.10.5>
- خلیلی، ع. (۱۳۹۴). *توانمندسازی اقتصادی زنان*. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱، تهران، ۱۱ اسفند، صص ۸-۱.
- رضائی، ر.، و ودادی، ا. (۱۳۹۳). شناسایی و تحلیل موانع مشارکت اقتصادی زنان در مناطق روستایی استان زنجان (مطالعه موردی: دهستان ابهرود). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۵، شماره ۳، صص ۵۱۰-۵۰۱. <https://doi.org/10.22059/ijaedr.2014.53166>
- زارعی، ش. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر ابعاد توانمندی زنان روستایی (مورد مطالعه شهرستان قروه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.
- زمانی‌مقدم، م.، و افشانی، ع. (۱۴۰۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند. *مجله رفاه اجتماعی*، دوره ۲۱، شماره ۸۰، صص ۸۰-۴۵. <https://doi.org/20.1001.1.17358191.1400.21.80.4.5>
- زمانی‌میاندرستی، ن.، عطائی، پ.، و ایزدی، ن. (۱۳۹۱). بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۵۳. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.30579>
- سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان. (۱۴۰۱). وضعیت کشاورزی در استان زنجان. گزارش فنی، بخش بهبود تولیدات گیاهی، سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان.
- شفیعی‌ثابت، ن.، حسینی، س.، و ملکی، ه. (۱۳۹۷). تحلیل موانع اقتصادی مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان همدان). *مجله جغرافیا و روابط انسانی*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۷۰۵-۶۸۵. <https://doi.org/20.1001.1.26453851.1397.1.3.40.5>
- شفیعی‌ثابت، ن.، و یوسفی، س. (۱۳۹۵). تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در فراگرد توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آبر شهرستان طارم). *مجله پژوهش‌های دانش زمین*، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۴۴-۶۱. <https://doi.org/20.1001.1.20088299.1395.7.1.4.5>
- شفیعی‌ثابت، ن.، و یوسفی، س. (۱۳۹۷). جایگاه مشارکت زنان در توسعه سکونتگاه‌های محلی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آبر شهرستان طارم). *مجله آمایش محیط*، دوره ۱۱، شماره ۴۳، صص ۹۶-۷۷.

واکاوی عامل‌های بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

- ظفری‌نسب، م.، گلزاری، ز.، نوریان، م.، و رضوی ح. (۱۴۰۰). فراترکیب عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی. *مجله روستا و توسعه*، دوره ۲۴، شماره ۹۶، صص ۴۷-۶۹. <https://doi.org/10.30490/rvt.2021.351827.1274>
- عبداللہی، ع.، ولایی، م.، و حسین‌زاده، ا. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی دهستان‌های شهرستان طارم از لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از تکنیک ویکور و تحلیل خوشه‌ای. *مجموعه مقالات اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی*، زنجان، ۲۸ شهریور، صص ۱-۱۳.
- علی‌بیگی، ا. ح.، و تقی‌بیگی، م. (۱۴۰۱). تأثیر قابلیت‌های کارآفرینی زنان روستایی بر توانمندسازی آن‌ها: مورد مطالعه، استان کرمانشاه. *مجله مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، دوره ۹، شماره ۴، صص ۱۹-۴۴. <https://doi.org/10.22069/jead.2022.20653.1651>
- علی‌بیگی، ا. ح.، و تقی‌بیگی، م. (۱۴۰۲). برنامه‌ریزی راهبردی توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه از طریق کارآفرینی: کاربرد تکنیک Meta-SWOT. *مجله پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۹۰-۱۱۵. <https://doi.org/10.22059/jrur.2023.351332.1796>
- فراشی، م.، رحیمیان، م.، و غلامرضائی، س. (۱۳۹۶). اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان نهاوند. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۴. <https://doi.org/20.1001.1.20081758.1396.13.2.11.1>
- قزلباش، آ. (۱۴۰۱). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان طارم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.
- قنبری، ی.، و انصاری، ر. (۱۳۹۴). شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۱-۱۰.
- کریمی، ح.، حلاج، ز.، و ولی‌زاده (۱۳۹۷). اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سلامت روان زنان روستایی و عشایری عضو صندوق‌های اعتبارات خرد (مورد مطالعه: استان کرمان). *مجله پژوهش‌های روستایی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۱۰-۲۲۱. <https://doi.org/10.22059/jrur.2017.236368.1131>
- کریمی، س.، کریمی‌راد، س.، و کریمی، ح. (۱۴۰۱). تأثیر توانمندی و تاب‌آوری بر موفقیت کارآفرینانه زنان روستایی منطقه سیستان. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۸۶-۶۷. <https://doi.org/20.1001.1.20081758.1401.18.1.5.8>
- کلانتری، خ. (۱۳۹۵). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*. تهران: انتشارات صبا.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.
- معقولی، س.، هدایتی‌نیا، س.، موحدی، ر.، و ملک‌سعیدی قصرالدشتی، ح. (۱۳۹۷). *اولویت‌بندی چالش‌های توانمندسازی زنان روستایی: مورد مطالعه دهستان سراب نیلوفر*. *مجموعه مقالات همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه*، کرمانشاه، ۱۸ آذر، صص ۱-۱۱.
- مقدس فریمانی، ش.، میرترابی، م.، و قائم‌مقامی، س. (۱۳۹۹). توانمندی اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان زنجان). *مجله راهبردهای توسعه روستایی*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۳۴۳-۳۴۷. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2021.250336.1877>
- مقدس فریمانی، ش.، و میرترابی، م. (۱۳۹۹). تحلیل مؤلفه‌های تسهیل‌کننده توانمندی اقتصادی زنان روستایی (مورد مطالعه اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان سمنان). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۵۲، شماره ۳، صص ۵۳۳-۵۶۷. <https://doi.org/20.1001.1.20084838.1400.52.3.8.3>
- موحدی، ی.، و یعقوبی‌فرانی، ا. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستا. *مجله مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۷-۴۲.
- نوروزی، ع.، فرهادیان، ه.، و حسینیان، م. (۱۳۹۸). بررسی میزان توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و خانوادگی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد منطقه سیستان. *مجله راهبردهای توسعه روستایی*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۳۵. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2020.169642.1777>

نوروزی، ف. (۱۳۹۵). تبیین نظریه‌های راهگشا در ترسیم مدل علی توانمندسازی زنان با تأکید بر توانمندسازی اقتصادی. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت، تهران، ۱۲ خرداد، صص ۱۴-۱.

- Abebe, A., and Kegne, M. (2023). The role of microfinance institutions on women's entrepreneurship development. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 12, 1-24. <https://doi.org/10.1186/s13731-023-00285-0>
- Ahmetaj, B., Kruja, A.D., and Hysa, E. (2023). Women entrepreneurship: Challenges and perspectives of an emerging economy. *Administrative Sciences*, 13(4), 111-130. <https://doi.org/10.3390/admsci13040111>
- Akhter, J., and Cheng, K. (2020). Sustainable empowerment initiatives among rural women through microcredit borrowings in Bangladesh. *Sustainability*, 12(6), 2275-2294. <https://doi.org/10.3390/su12062275>
- Akter, S., Rutsaert, P., Luis, J., Htwe, N.M., San, S.S., Raharjo, B., and Pustika, A. (2017). Women's empowerment and gender equity in agriculture: A different perspective from Southeast Asia. *Food Policy*, 69, 270-279. <https://doi.org/10.1016/j.foodpol.2017.05.003>
- Ali, A. M., and Salisu, Y. (2019). Women entrepreneurship and empowerment strategy for national development. *Journal of Economics, Management and Trade*, 22(3), 1-13. <https://doi.org/10.9734/JEMT/2019/44828>
- Ashburn, K., and Warner, A. (2010). *Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to HIV? Emerging insights*. Technical Report, International Center for Research on Women, Washington D.C.
- Bayissa, F. W., Smits, J., and Ruben, R. (2018). The multidimensional nature of women's empowerment: Beyond the economic approach. *Journal of International Development*, 30(4), 661-669. <https://doi.org/10.1002/jid.3268>
- Cheung, C., Baum, T., and Wong, A. (2012). Relocating empowerment as a management concept for Asia. *Journal of Business Research*, 65(1), 36-41. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2011.07.012>
- Choudhry, A. N., Abdul Mutalib, R., and Ismail, N. S. A. (2019). Socio-cultural factors affecting women economic empowerment in Pakistan: A situation analysis. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 9(5), 90-102. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v9-i5/5842>
- Clark, S., Kabiru, C.W., Laszlo, S., and Muthuri, S. (2019). The impact of childcare on poor urban women's economic empowerment in Africa. *Demography*, 56(9), 1247-1272. <https://doi.org/10.1007/s13524-019-00793-3>
- FAO. (2011). *Women in agriculture: Closing the gender gap for development*. Technical Report, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome.
- FAO. (2018). *The state of food security and nutrition in the world 2018: Building climate resilience for food security and nutrition*. Major Report, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome.
- Follett, C. (2018). *How markets empower women: Innovation and market participation transform women's lives for the better*. Research Report, the CATO Institute's Center for Global Liberty and Prosperity, Policy Analysis, Cato Institute.
- Huis, M. A., Hansen, N., Otten, S., and Lensink, R. (2017). A three-dimensional model of women's empowerment: Implications in the of microfinance and future directions. *Frontiers in Psychology*, 8, 1678. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01678>
- Ishfaq, S., Abedullah, A., and Kouser, S. (2023). Measurement and determinants of rural women's empowerment in Pakistan. *Global Social Welfare*, 10, 139-152. <https://doi.org/10.1007/s40609-023-00275-w>
- Jackson, M. A. (2010). *Empowering women of Nepal: An experience of empowerment in the land of the Himalaya*. PhD Dissertation, Prescott College, USA.
- Krejcie, R. V., and Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610. <https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
- Malhotra, A. (2003). *Conceptualizing and measuring women's empowerment as a variable in international development*. Background Paper Prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives.
- Medina, E., and Herrarte, A. (2020). Recent evidence on the evolution of women's empowerment across dimensions and countries: A multidimensional index of women's empowerment across countries. Ochman, M. and Ortega-Díaz, A. (Ed.) *Advances in women's empowerment: Critical insight from Asia, Africa and Latin America (Advances in Gender Research, Vol. 29)*, (pp. 13-37), Bingley: Emerald Publishing Limited.
- Munawar, M., Safdar, U., Luqman, M., Butt, T.M., Hassan, M. Z. Y., and Khalid, M. F. (2013). Factors inhibiting the participation of rural women in livestock production activities. *Journal of Agricultural Research*, 51(2), 213-220.

- Mwambi, M., Bijman, J., and Galie, A. (2021). The effect of membership in producer organizations on women's empowerment: Evidence from Kenya. *Women's Studies International Forum*, 87, 102492. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2021.102492>
- Nahar, S., Mengo, C. W. (2022). Measuring women's empowerment in developing countries: A systematic review. *Journal of International Development*, 34(2), 322-333. <https://doi.org/10.1002/jid.3594>
- Nega, F., Mathijs, E., Deckers, J., and Tollens, E. F (2009). *Gender, social capital and empowerment in northern Ethiopia*. MPRA Paper 24629, University Library of Munich, Germany.
- Obayelu, O. A., and Chime, A.C. (2020). Dimensions and drivers of women's empowerment in rural Nigeria. *International Journal of Social Economics*, 47(3), 315-333. <https://doi.org/10.1108/IJSE-07-2019-0455>
- Palacios-Lopez, A., Christiaensen, L., and Kilic, T. (2017). How much of the labor in African agriculture is provided by women? *Food Policy*, 67, 52-63. <https://doi.org/10.1016/j.foodpol.2016.09.017>
- Rehman, A., Ping, Q., and Razzaq, A. (2019). Pathways and associations between women's land ownership and child food and nutrition security in Pakistan. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(18), 3360. <https://doi.org/10.3390/ijerph16183360>
- Saluja, O. B., Singh, P., and Kumar, H. (2023). Barriers and interventions on the way to empower women through financial inclusion: A 2 decades systematic review (2000–2020). *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 1-14. <https://doi.org/10.1057/s41599-023-01640-y>
- Shinogi, K. C., Jayashree Krishnankutty, M., Eldho, V., Sanjay, S., Rashmi, I., Renu, B., and Reshma, G. (2021). Empowerment of smallholder women farmers through self-help groups in South West India. *Indian Journal of Extension Education*, 57(2), 31-37.
- Visser, J., and Wangu, J. (2021). Women's dual centrality in food security solutions: The need for a stronger gender lens in food systems' transformation. *Current Research in Environmental Sustainability*, 3, 100094. <https://doi.org/10.1016/j.crsust.2021.100094>
- Wei, W., Sarker, T., Zukiewicz-Sobczak, W., Roy, R., Alam, G. M. M., Rabbany, Md.G., Hossain, M.S., and Aziz, N. (2021). The influence of women's empowerment on poverty reduction in the rural areas of Bangladesh: Focus on health, education and living standard. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18, 6909. <https://doi.org/10.3390/ijerph18136909>
- World Bank. (2002). *Empowerment and poverty reduction: A sourcebook*. The International Bank for Reconstruction and Development Publisher, Washington D.C.

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/iaeej.2024.419590.1762

Analyzing the Inhibitors to Rural Women's Economic Empowerment (The Case of Tarem County)

Azar Ghezelbash¹ and Leila Safa^{2*}

(Received: Oct. 06. 2023; Accepted: Dec. 20. 2023)

Abstract

Despite the undeniable role of women in achieving sustainable rural development, and considering that empowerment is the key to sustainable development, the evidence shows that there are numerous obstacles on the way to rural women's empowerment especially in the economic dimension. Therefore, this survey research was conducted with the aim of analyzing the inhibitors to the rural women's economic empowerment. The statistical population of this research was all the women aged 15 years and above in the villages of Tarem county (N=14415) which among them, a sample of 375 people was selected by proportional stratified sampling method. The research instrument for data collection was a questionnaire whose content validity was confirmed by the faculty members of university of Zanjan and the experts of Jihad Agriculture Organization of Zanjan province. In order to check the reliability of the questionnaire, a pilot study was also conducted, and the Cronbach's alpha coefficients of the main scales of the questionnaire were acceptable. The collected data were analyzed using SPSS_{win26} software. The descriptive results showed that the rural women's economic empower was at a relatively weak level in terms of the two indicators of economic mobility and economic decision-making power. In addition, the results of the factor analysis indicated that the five extracted factors including weak support and structural limitations, weak entrepreneurial spirit, mistrust and inappropriate social prejudices, rejection and marginalization, and weak professional skills explained 61.5 percent of the total variance of "inhibitors to rural women's economic empowerment". Moreover, the findings of the regression analysis revealed that all the five extracted factors had negative and significant effects on the level of rural women's economic empower. Finally, the findings of this research, by helping to better understand the situation of rural women in terms of economic empowerment indicators and through a deeper analysis of the inhibitors facing them, can provide useful information to planners and policymakers to design and implement effective interventions for the rural women's economic empowerment.

Keywords: Economic empowerment, Sustainable development, Rural women, Barriers, Zanjan province.

¹ Former M.Sc. Student, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

² Associate professor, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

*Corresponding Author, Email: safa@znu.ac.ir

